

سینمای ایران

به همت: مجید شجاعی
با همکاری: عزیزالله حاجی‌مشهدی، حسین گیتی، علی‌رضا پورصباغ،
نگار حسینی، حسین گودرزی، احسان هوشیارگر، مختار شکری‌پور،
سیدسعید هاشم‌زاده، امین‌علی‌گردی و آقای قدیمی

- «دل‌خون» انکاره‌یی مناسب برای فیلمنامه‌نویسی کارگاهی
- پرونده‌ی تولیدات سینمایی حوزه‌ی هنری
- (دل‌خون و یک وجب از آسمان)
- بازیگری به‌مانند بازی تیبس
- گفت‌وگویی چاپ‌نشده با شادروان پیمان ابدی
- گفت‌وگو با سیدمحمد کاظم افرندنیا
- تحلیلی بر تأثیر پرداخت روایت در بازیگری آثار بهرام بیضایی
- تأملات دیر هنگام
- سینمای ایران در جهان از نگاه اهالی سینما
- خبرنگاران در سینمای ایران
- زن و سینما
- فیلمفارسی نه!





«دل خون» انگاره‌ی مناسب برای فیلمنامه‌نویسی کارگاهی

عزیزالله حاجی‌مشهدی

محکوم به اعدام فراهم گردید. محمدرضا رحمانی، در کمال آرامش، همه‌ی مسیرهای پیش‌بینی‌شده برای انجام پژوهش در عرصه‌های حقوقی و فقهی را به خوبی طی کرد و بعد از دو - سه ماه کار مداوم با همکاری «علی‌رضا محمودی ایرانمهر»، فیلمنامه‌ی تازه‌ی را با نام «دل خون» به «مدرسه» ارایه داد که با طرح اولیه‌ی بخشش اگرچه در مضمون اصلی شباهت‌هایی داشت، اما در مجموع کار متفاوتی به نظر می‌رسید.

این فیلمنامه، بعد از یکی - دو مرحله بازنگری و اصلاحات جزئی و سرانجام بازنویسی نهایی با تأیید مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی به معاونت سینمایی حوزه‌ی هنری ارجاع شد و شرایط تولید آن مهیا گردید. در واقع، علاوه بر جایگاه حقوقی‌ام در مقام مدیر مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی که توجه به جوانان هنرمند (اعم از فیلمنامه‌نویس و فیلمساز) در سرلوحه‌ی هدف‌های این «مدرسه» قرار داشت، به عنوان یک منتقد فیلم، نویسنده و مدرس سینما نیز برای این همکاری، برایم انگیزه‌ی کافی وجود داشت تا به عنوان «مشاور فیلمنامه» در این کار نقشی داشته باشم. گذشته از همه‌ی این‌ها به عنوان یکی از مدیران مجموعه‌ی معاونت سینمایی حوزه‌ی هنری نیز علاقه داشتم تا برآیند تلاش‌های دوستان و همکارانم در این معاونت، مثبت و قابل اعتنا باشد.

به نظر می‌رسد که در سینمای امروز ایران، استفاده از انگاره‌ی جالب فیلمنامه‌نویسی به شیوه‌ی گروهی و کارگاهی که خوشبختانه چند تجربه‌ی مشخص نیز در سه - چهارساله‌ی اخیر در سینمای ما در همین زمینه وجود دارد، می‌تواند بخش عمده‌ی از مشکلات موجود در مسئله‌ی کمبود فیلمنامه‌های مناسب را حل کند ■

فیلم «دل خون» ساخته‌ی محمدرضا رحمانی که در بیست‌وهفتمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم فجر به عنوان یکی از فیلم‌های نظرگیر جشنواره - به‌ویژه در میان آثار کارگردانان اول و دوم - با اقبال به‌نسبت قابل‌اعتنایی روبه‌رو شده بود، برای من از دو - سه جهت اهمیت خاصی دارد: نخست این که یکی از فیلم‌هایی‌ست که از لحظه‌ی شکل‌گیری جرقه‌ی اصلی ایده‌ی محوری فیلمنامه به دلیل مراجعه‌ی «محمدرضا رحمانی» به حوزه‌ی هنری که طرح اولیه‌ی فیلمنامه‌ی «بخشش» را به بانک فیلمنامه‌ی مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی حوزه‌ی هنری ارایه داده بود، با این طرح درگیر بودم.

طرح فیلمنامه‌ی بخشش در ابتدا با اقبال چندانی روبه‌رو نشد و کارشناسان مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی، پیشنهاد بازنویسی و تجدید نظر اساسی در مضمون اصلی طرح را ارایه داده بودند. در مقام مدیر مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی، وظیفه‌ی دشواری داشتم. کنار گذاشتن چنین طرحی، ساده‌ترین کار ممکن بود چرا که در اولویت نبودن چنین طرحی برای حوزه‌ی هنری می‌توانست بهانه‌ی خوبی برای کنار گذاشتن آن باشد. اما به یک دلیل عمده و آن هم تأکید ریاست حوزه‌ی هنری در خصوص جوان‌گرایی و حمایت از فیلمنامه‌نویسان و فیلمسازان جوان و اعتقاد قلبی خودم به این‌گونه پشتیبانی‌های معنوی، پیشنهاد بازنویسی طرح و انجام تجدید نظرهایی در طرح قبلی به محمدرضا رحمانی داده شد. در عین حال، با کمک «مدرسه» و نامه‌هایی که با امضای خود من به جاهای مختلفی نوشته شد، زمینه‌های مساعدی برای پژوهش‌های اولیه در خصوص مسایل حقوقی و فقهی موضوع اهدای اعضای بدن، آن هم از سوی یک فرد